



بحران اوکراین؛ کاتالیزور روابط روسیه-ایران-چین

از 21 فوریه که ویکتور یانوکوویچ، رئیس جمهوری اوکراین از قدرت خلع شد، تنش ها میان روسیه و غرب رو به افزایش بوده است. این بحران زمانی به اوج خود رسید که دولت محلی شبه جزیره کریمه با ساکنانی که 60 درصدشان خود را از نظر قومی روس می دانند، خواستار همه پرسی برای جدایی از اوکراین شد.

تاریخ: ۲۶ اسفند ۱۳۹۲ - ۱۸:۰۱

کد خبر: ۱۸۳۹۲۴

فرارو-سید حسین موسویان، عضو پیشین تیم مذاکره کننده هسته‌ای ایران در یادداشتی که در وب سایت المانیتور منتشر شد، بحران اوکراین را تقویت کننده روابط روسیه- ایران- چین خواند.

به گزارش سرویس بین الملل فرارو به نقل از المانیتور، وی در این یادداشت نوشت: از 21 فوریه که ویکتور یانوکوویچ، رئیس جمهوری اوکراین از قدرت خلع شد، تنش ها میان روسیه و غرب رو به افزایش بوده است. این بحران زمانی به اوج خود رسید که دولت محلی شبه جزیره کریمه با ساکنانی که 60 درصدشان خود را از نظر قومی روس می دانند، خواستار همه پرسی برای جدایی از اوکراین شد.

در شرایطی که ناظران، بن بست فعلی اوکراین را عمیق ترین بحران پس از جنگ سرد میان غرب و مسکو می دانند، تنگنای بحران هسته ای ایران نیز به عنوان بزرگترین چالش در روابط ایران-غرب تلقی می شود.

علیرغم اینکه ممکن است بحران اوکراین منجر به نتیجه ای مطلوب برای آینده ایران شود، از جمله بحران با غرب برسر مسئله هسته ای، ایران در مورد بحران اوکراین همچنان بی طرف خواهد ماند. یکی از مقامات ارشد ایرانی گفت: «ایران مطمئناً از مناقشات مربوط به اوکراین دور خواهد ماند. با این حال بحران اوکراین تأثیرات احتمالی بر روابط ایران- روسیه خواهد داشت.»

مداخله نظامی روسیه در اوکراین می تواند منجر به نزدیک شدن نیروهای ناتو به مرزهای غربی اوکراین شود. با این حال روسیه نگران است که عقب نشینی از کریمه منجر به حرکت نیروهای نظامی غرب به سمت مرزهای روسیه شود، امنیت این کشور را به خطر اندازد و عمق استراتژیک آن را تضعیف کند.

طی دو دهه اخیر روسیه و ایران به دقت شاهد بوده اند که آمریکا و ناتو با استقرار پایگاه های نظامی در سراسر مرزهای دو کشور، بدون آنکه منافع امنیتی مشروع مسکو و تهران را مدنظر قرار دهند، دسترسی خود به سمت شرق را گسترش داده اند. طی سال های گذشته، ایران تحت رهبری آیت الله علی خامنه ای و روسیه تحت ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، در مقابل هژمونی غرب مقاومت کرده اند و سعی داشته اند غرور و اعتبار زخمی خود را ترمیم کنند و خود را از آنچه که فقدان احترام و نفوذ بین المللی می دانند، رها کنند. پوتین در سال 2005 اعلام کرد که سقوط اتحاد جماهیر شوروی «بزرگترین فاجعه ژئوپلتیک» قرن بیستم بود. تسلیم شدن در مورد اوکراین و خروج این کشور از مدار روسیه ضربه سختی به تمام تلاش های پوتین برای بازسازی جایگاه روسیه در عرصه بین الملل خواهد زد.

از سال 2006 آمریکا توانسته است با موفقیت اجتماعی را در میان قدرت های جهان علیه برنامه هسته ای ایران ایجاد کند که نتیجه اش قطعنامه سازمان ملل بود و تحریم های یک جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا را در پی داشت. حال یک بحران مداوم اوکراینی می تواند چند سناریو را در ادامه داشته باشد.

طی مذاکرات توافق نهایی هسته ای میان ایران و گروه 5+1 (پنج عضو دایم شورای امنیت به اضافه آلمان)، مهمترین

مسئله برای آمریکا سرکوب برنامه هسته ای ایران تا جایی است که ممکن باشد. با این حال، در شرایطی که بحران کریمه همچنان ادامه دارد، حفظ حمایت روسیه مانند نوامبر سال 2013 برای آمریکا مشکل خواهد بود. همین مسئله احتمالاً موضع آمریکایی-اروپایی در مورد شرایطی که با هدف محدود کردن برنامه هسته ای ایران و رای ان پی تی وضع می شوند را تضعیف خواهد کرد. از آنجایی که آمریکایی ها و اروپاییان روسیه را به اعمال فشارهای دیپلماتیک-از جمله تحریم- تهدید کرده اند، منطق حکم می کند که روسیه برای تاثیر بر مواضع آمریکا و اروپا در قبال اوکراین، از کارت هسته ای ایران علیه غرب استفاده کند.

علاوه بر این، اگر ایران به توافق موقت پایبند باشد و با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری کند اما غرب همچنان درخواست های بیشتری از ایران داشته باشد، روسیه نیز ممکن است به ایران بپیوندد و در واکنش به فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی غرب، تحریم ها را نقض کند.

افزایش نزدیکی روسیه و ایران می تواند منجر به پاداش های اقتصادی بزرگی شود. بسیار محتمل است که ایران گنجایش ساخت نیروگاه های هسته ای خود را به عنوان بخشی از توافق نهایی- مطمئناً تحت نظارت بین المللی- تا 20 نیروگاه افزایش دهد. ایران در حال حاضر قصد ساخت چهار نیروگاه با همکاری روسیه را دارد. پروژه بزرگ ساخت 20 نیروگاه هسته ای نیازمند صرف ده ها میلیارد دلار هزینه است.

انتظار نمی رود که اروپا و آمریکا واکنشی به درخواست ایران برای ساخت این نیروگاه های هسته ای نشان دهند، حتی اگر توافق نهایی با رضایت طرفین میان ایران و گروه 5+1 امضا شود. این فرصت دیگری است که روس ها می توانند با بهره گیری از آن این پروژه بزرگ را به دست بگیرند و روابط خود با ایران را در جهت تفکرات استراتژیک خود افزایش دهند.

حمایت ایران و روسیه از بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه و مقابله آنها با سیاست های آمریکا و غرب برای انتقال اسد باعث می شود به این نتیجه برسیم که هر دو کشور به دنبال تحکیم عمق استراتژیک خود و استقرار به عنوان بازیگری بانفوذ در منطقه هستند. ترکیب این هدف استراتژیک امنیتی با منافع امنیتی ژئوپلیتیک که میان روسیه و ایران مشترک است نشان می دهد که هیچ کشوری بهتر از ایران وجود ندارد که بتواند متحد روسیه شود.

ایران و روسیه به دلیل مواضع ژئوپلیتیک شان منافع استراتژیک مشترک مهمی دارند. احتمال بازگشت طالبان در افغانستان که می توانست با فعالیت های القاعده در این کشور همراه شود، تهدید جدی برای امنیت هر دو کشور خواهد بود. تهدید دیگری که متوجه امنیت روسیه و ایران است، بی ثباتی و گسترش پایگاه های نظامی آمریکا در آسیای مرکزی، منطقه دریای خزر و خلیج فارس است. این حساسیت های ژئوپلیتیک اساس طبیعی همکاری میان ایران و روسیه را شکل می دهد.

بسیاری از ناظران معتقدند که همه پرسى 16 مارس جدایی کریمه از اوکراین، درگیری ها میان روسیه و غرب را تشدید خواهد کرد. فشار فزاینده بر روسیه که ناشی از همین درگیری ها با غرب خواهد بود، در کنار این ملاحظات استراتژیک می تواند روس ها را به این نتیجه برساند که اتحاد با ایران بهترین گزینه ای است که اهداف استراتژیک آنها را تامین می کند. در نتیجه به نظر می رسد اگر بحران اوکراین ادامه داشته باشد و ایران در مذاکرات هسته ای با درخواست ها و فشارهای غرب روبرو باشد، روسیه به ایران نزدیک تر شود و دو کشور بتوانند یک قطب قدرت در منطقه را تشکیل دهند. علاوه بر این، پکن منافع قابل توجهی در تقویت روابط امنیتی خود با روسیه دارد. همین امر می تواند مسکو-پکن و تهران را ترغیب به تفکر در مورد همکاری های گسترده تر در منطقه و آسیا کند.